

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۹ می ۲۰۱۳

فرمانبردار ارتجاع و سرمایه

در صدد بد نامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان!

۲۱

صادقیسم ، یعنی راسیزم، هزاره ایسم و چنگیزیزم بخش درباری ملیت هزاره!



راسیزم، هزاره ایسم و چنگیزیزم، قاسم مشترک بین «محقق»، «کشتمند»، «صادق» و «حسین»

با احترام عمیق به خلق شرافتمند هزاره!

سخننام متوجه آن بخش و یا طبقه ای از ملیت هزاره است که ناف شان با دربار یکجا بسته شده بود و یا تحت درفش سیاه «حزب دمکراتیک خلق» و «حزب وحدت اسلامی» جنایت آفریدند ، آدم کشتند، کشور را سوختند و ویران نمودند و فروختند. همانطوری که جنایات دوستم، ملا عمر، گلبدین، سیاف، مسعود و ربانی به خلق های ازبیک، پشتون و تاجیک ربطی ندارد و به همین جهت جنایات جناح کشتمند «حزب دمکراتیک خلق» و «حزب وحدت اسلامی» به اکثریت خلق های هزاره ارتباط ندارد.

«انجنیر» صادق ظفر رند بچه جاغوری انجو ایست و جاسوس امپریالیسم تحت نام های مختلف ظاهر می شود و کوشش می کند که خودش را نماینده خلق شریف هزاره معرفی دارد و از نام خلق هزاره استفاده های سیاسی نماید.

بدانجهت به منتقدینش بر چسب های ضد ملیت هزاره بودن را می زند تا بتواند عده ای را فریب بدهد؛ اما خوشبختانه کسی فریب بی ناموسیهای این اوباش و جاسوس را نخورده بلکه با چهره کثیف و گذشته های نهایت ننگینش بیشتر آشنا شده اند.

چندی قبل از این که «انجنیر» صادق ظفر تحت فشار و حملات برق آسای میرویس قرار گرفته بود، بدانجهت از هم قلاده هایش طالب کمک شد و هم دست به دامان «حزب کمونیست مائویست» حسین برد تا از غرق شدن نجاتش دهد، «انجنیر» صادق ظفر به خاطر چاپلوسی یک نوشته ای «حزب کمونیست مائویست» را در سایتک «شورش» به نشر سپرد و اما «حزب کمونیست مائویست» اصلاً این ماچه سگ را اهمیت نداده و به جوابش نپرداخت زیرا قبلاً همین خم چشم پدر نادیده و نطفه دربار به ضد «حزب کمونیست مائویست» تبلیغ می کرد.

چرا هزاره ایست های چنگیزیست درد ... را از شقیقه می کشند و میرویس را رها کرده و بر پاچه های دیگران گیر می کنند و می کوشند که تا با کوبیدن و دو و دشنام دادن دیگران درد شان را تسکین و خود شانرا قناعت دهند که میرویس عزرائیل هزاره ایست های چنگیزیست نیست و اما افرادی اند که توسط میرویس اهداف شان را پیاده می کنند؟

«صادق ظفر» جقر حالا در نقش "۳ عقرب" ظاهر می شود و طبق معمول به دروغ و تهمت بسنده کرده و بر مرقد نا مطهر اجدادش، به رسم اربابان تجاوزگرش امریکای جنایتکار می شاشد. شما طرز تفکر ارتجاعی، عقب افتاده و راسیستی یک هزاره ایست چنگیزیست را ببینید و بخوانید و معیار قضاوت قرار دهید!!!

«صادق ظفر» خودش بالای «مائویست های افغانستان» شاشید و از سوراخ «سوم عقرب» سر بیرون آورد و با تکرار اراجیف قبلی نشان داد که واقعاً ... شرم ندارد؛ حتا «شهید اکرم یاری» قوم و خویش و دوستانش را از تماس با «صادق ظفر» بر حذر کرده بود و به وی لقب «قوم شرم» یعنی رند بچه دامن بالای جاغوری را داده بود.

«انجنیر» صادق ظفر حالا پرسش ما از تو خم چشم و سرخم و شیء و وسیله استفاده این است، چرا از نام سوم عقرب استفاده می کنی و سوم عقرب برای تو و چند تا «تریوز رو» هم مانند تو چه ارتباطی دارد؟

قبلاً هم سوالی مطرح کردم که بگو آیا عضو (شعله جاوید) بودید و با کی ارتباط داشتید اصلاً به جواب نپرداختید، چرا؟

اگر تو زیرین پاره چشم سفید ریگی در کفش نداری پس چرا از پاسخگوئی ابا می ورزی؟

«صادق ظفر» بگو تو که هستی و پدر اصلی ات کیست؟ آیا آیه ات که از بطنش زاده شدی و به دنیا آمده ای زن اصلی آته ات بود و یا منحیث (صورتی) در دربار همچو ساقی عشوه گر و طنز می در ساغر و پیمانه می ریخت و برای پدران طلانی ات که مست از باده لبان ساقی و نشئه از می ساغر بودند نخره و کرشمه می کرد و بزم شانرا گرم می نمود؟

تاریخ به صراحت و وضاحت از نقش مهوشان و پریوشان آن عده از قوم و قبیله تان که خاین به توده های میلیونی مردم هزاره بودند، در بزم ها و ضیافت های امیران خاصاً در حرمسرا های تیمور شاه سدوزی-حبیب الله خان- شیر علی خان- عبدالرحمان و بالاخره طلانی ها و اعیانها را گرم و نورانی می ساخت سخن می زند. شیر آغا «رحیم» غلام بچه از پنجشیر و همچنان «رئیس عبدالله» از جانیان و استثماریان جاغوری، هر دو عوامل دربار بودند و در پهلوی وابستگی های شان به دربار برای درباریان و اعیان و متمول ها مهیا کننده بهترین دختران و زنان طبقه شان بودند که عوام الناس همه می داند و این نه تهمت و بهتان است و نه ملیت ستیزی بل یک حقیقتی بود که در برهه ای از تاریخ معاصر اتفاق افتاده و حالا هم کماکان توسط افرادی از وارثان منطقه ئی و خونی آنها از هالند و ... کانادا به پیش برده می شود.

البته در اصل آن زنان و دختران نه به خاطر فقر و تهیدستی بلکه به خاطر ارتباط بر قرار نمودن با دربار و به طور زنان صورتی در آمدن برای درباریان و همچنان رفع غرایض جنسی و شهوانی و خوشگذرانی خود شان را در بست

تسلیم شئونیست های طبقه حاکم می کردند. پس بالاخره حاصل آنهمه عیش و عشرت و عشق های زود گذر به چه می انجامید؟ بدون شک و شبهه به القاح بستن، آستن سازی و اشباع نطفه های حرامی و دو رگه ای از جنس «صادق ظفر» و هم قماشان هزاره ایست و چنگیزیست شان!

«صادق ظفر» چنین می اندیشد که گویا میرویس توسط رفقاء موسوی و کت به فحاشی و ناسزاگویی تحریک می شود تا آنها تکافوی «عقده» های شان را کنند؟؟؟!!!

همچنان «صادق ظفر» بالای گرانقدر کت اتهام می بندد که در نقش «حامد بهارستانی» «مائویستهای» پشت و رند بچه های جاغوری را کچه و پوده مخاطب قرار داده است، بناءً «مائویستها» این سبزه ها و رئیس بانک ها که ماه می را «مه» و یک و نیم را «یکنیم» و استفراغ را «استفراق» می نویسند و اما در کمال بی ناموسی و چشمدریگی نوع «صادقیزم»، میرویس را بی سواد می خوانند تا بدین دل خوش کنند که میرویس دشمن اصلی شان نبوده و همچو صخره در مقابل شان ایستاده نشده است؟! ههههههههه

به هر صورت محترم «حامد بهارستانی» جواب دندان شکن علیه اتهامات ردیلانه «مائویستها» یعنی «عمدتاً مائویست» پرداخت و ثابت نمود که وی کت نیست و هیچ نوع شناختی از میرویس و کت ندارد. پس از قرائن و شواهد «مائویستها» یعنی «عمدتاً مائویست» های بی ناموس، حرامزاده، زنا زاده و اولاده های صورتی دربار در پهلوی این که از کت.. پیشو می روند و تربوز روند بل این چوچه های ماچه سگان روانپزش دیوانه شده اند و به هر عابر و جنبده ای عف و جف زده پارس می کنند تا ثابت بسازند که از نوع سگ اند و اما سگ های دیوانه!!!

این سگان پوپک زده چنگیزیست که کنیفرترین ملیت پرستان و قبیله پرستان های روزگاران اند با بی ناموسی تام بر کت بر چسب قبیله گراء را می زنند؛ به خاطری که تخلص ایشان مربوط به قومی از اقوام ملیت پشتون می باشد. این راسیست های زرد هزاره ایست و چنگیزیست در جست و جوی بهانه هائی برای پشتون ستیزی اند؛ در حالی که کت از مردمان بومی کابل زمین می باشد و در هیچ زمانی کوچکترین حرکت راسیستی و ملیتگرانی از ایشان سر نزده است که همه می دانند. در مورد این که گرانقدر کت از دهن من هزاره ایست های چنگیزیست را می کوبد؛ این کشف جدید از شکمبه بویناک «صادقیزم» است و در حالی که ایشان در ۲۰ بخش فرمانبرداران..... هیچ سهم و مسؤولیتی را نداشته و بر عده نگرفته اند. تیپ نوشته های ایشان و رفیق موسوی با طرز نوشتن من فرق آشکارا دارد. باز هم برای راسیست های ملیت پرست، این نطفه های درباریان و رند بچه های صورتیان دربار اعلان می کنم که من حاضر از طریق تلویزیون-فیس بک و با زرد های زرد رو به رو در پیشگاه مردم تبادل افکار و گفت و گو کنم، اگر روسپی زاده نیستید که هستید به چلنجم جواب مثبت بدهید و در غیر آن مردم بینا اند و قضاوت خواهند کرد.

جایگاه طبقاتی من از اول معلوم است و در عمل نشان داده ام که با خلقی و پرچمی و خادی و باداران روسی شان آشتی نا پذیرم. در آن ایامی که ما می رزمیدیم پیراهن های تو و امثال در پشت تان افتاده بود و از دنیا بیخبر به مورچه جنگی مصروف بودید. در آینده که حزب طبقه کارگر، دهقان و زحمتکشان از میان توده ها قد علم کند جایگاه میرویس در آنجاست. به صراحت و وضاحت اعلام می دارم که شما نطفه های یک شبه درباریان که از بطن روسپیان صورتی متولد شده اید هیچ نوع ترحم برای ملت افغان ندارید و هیچگونه احساس مسؤولیت برای افغانستان نمی کنید؛ و در شرایطی که میهن و مردم به ما ضرورت مبرم دارد و اما شما بی پدران روسپیزاده تخم نفاق و شقاق می کنید و کوشش می دارید تا صف چپ انقلابی را پراکنده بسازید. اگر شما نطفه های درباریان کوچکترین احساس ملی و انقلابی می داشتید باید برای وحدت جنبش چپ مبارزه می کردید و اگر اشتباهات و حتا انحرافات در گذشته صورت پذیرفته بود در جمع خود و بین خود در زیر یک سقف و به مثابه یک فامیل با جر و بحث و انتقاد و انتقاد از خود به تصحیح آن

می پرداختید تا با یک روش اصولی مطابق به معیار های دیالکتیک برای حل اختلافات راه حل جست و جو می شد و بر مبنای آن گام نخستین را برای ایجاد یک حزب انقلابی برداشته می شد. اما چنین نبود زیرا نقادان تنها انتقاد را شروع نمودند و اما اجازه ای نقد کردن خود شان را به کسی ندادند و منتقد را با فحش و ناسزاء و اتهام استقبال نمودند؛ این خود ثبوت می کند که این کلاشها از فامیل شعله نی نبوده و متعلق به حرمسرا های دربار و روسپی خانه های خلق و پرچم بوده و برای اتحاد و انسجام و احیائی مجدد «حزب دمکراتیک خلق» تحت رهبری «سلطان علی کشتمند» و «اسد الله کشتمند» در اروپا و دیگر جا ها فعالیت دارند.

گویند که شری بر خیزد که خیر ما باشد و همان هم شد و چهره های کثیفی افشاء گردید که در زیر (ریش) ما خانه نموده بودند. این اقلیت خود فروخته، بد اخلاق و جاسوس دشمنان افغان و افغانستان اند و این را نه تنها متیقنم بلکه صد در صد می گویم ملت و مردم افغان هیچ گاهی و در هیچ شرایطی این زنازادگان و حرامزادگان را نخواهند بخشید. نیرو های انقلابی با رد و افشای این جاسوسان و وطن فروش باید مرز خود را با این حرامزادگان تاریخ مشخص ساخته ننگ وجود آنها را از دامان پاک مبارزاتی خود بزایند.

ادامه دارد

میرویس ودان محمودی